

## غزل شماره ۲۰۰

دانی که چنک و عود چه تقریر می کنند؟  
پنهان خورید باده که تغزیر می کنند

ناموس عشق و رونق عشاق می برند  
عیب جوان و سرزنش پیر می کنند

جز قلب تیره بیچ نشد حاصل و هموز  
باطل در این خیال که اکسیر می کنند

کویند ز مر عشق مگوید و مشوید

مشکل حکایتست که تقریر می کنند

ما از برون در شده مغرور صد فریب

تا خود درون پرده چه تدبیر می کنند

تسویش وقت پیرمغان می دهند باز

این سالکان نگر که چه با پیر می کنند

صد ملک دل به نیم نظر می توان خرید

خوبان در این معالده تقصیر می کنند

قومی بہ جد و جہد نہادند و صلِ دوست

قومی دگر حوالہ بہ تقدیر می کنند

فی الجملہ اعتماد مکن بر ثباتِ دھر

کہ این کارخانہ ایست کہ تغیر می کنند

می خور کہ شیخ و حافظ و مفتی و محتسب

چون نیک بگری ہمہ تزویر می کنند

تفسیر فال

اینقدر به مال و ثروت خود مغرور نشوید، زیرا دنیا و دارایی‌های آن همواره در حال تغییر و ناپایداری هستند. ثروت می‌تواند به یک لحظه بسوزد و از بین برود، مانند شمعی که در وزش باد خاموش می‌شود. محبت و عشق حقیقی را نمی‌توان با پول خرید؛ این احساسات عمیق انسانی فراتر از هرگونه مادیاتی هستند و ارزش واقعی آنها در روابط صمیمانه میان افراد نهفته است. ثروت اغلب می‌تواند دل را تیره کند، پرده‌ای از غفلت بر روی انسان بیفکند و او را از ارزش‌های واقعی زندگی دور سازد. برای عبادت خداوند نیز هیچ‌گاه نباید بهانه‌ای آورد، زیرا تمام نعمت‌هایی که دارید نتیجه لطف بی‌پایان خداوند است که باید شکرگزاری کنید. افرادی که اکنون در اطراف شما هستند، ممکن است در زمان سختی‌ها حتی حاضر نباشند برای شما کمکی کنند؛ پس لااقل تلاش کنید تا با خدا باشید و ارتباط خود را با او تقویت نمایید، چرا که او همیشه همراه انسان‌هاست و در مشکلات یارشان خواهد بود.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)